

اوست که شاعر را با وجود همه انگشتهایی که به انکار آن حقیقت جاودانه برافراشته‌اند، و می‌دارد که علی‌رغم عقل و منطق پیچیده این قرن نوظهور به او دل ببندد، حتی اگر این او، زاینده نیاز او به حقیقت مطلق باشد. غزلی که در فروردین ۷۷ سروده شده است، شاعری بر این مدعاست که شاعر نمی‌خواهد و نمی‌تواند از ایمان خود چشم‌پوشد و اسیر پنجه انکار شود، پس، اینگونه به اقرار می‌ایستد:

می‌خواهمت چنانکه شب خسته خواب را
می‌جویمت، چنانکه لب تشنه آب را
حتی اگر نباشی، می‌آفرینمت

چونانکه التهاب بیابان، سراب را (۹)

امین پور، پس از جنگ، و پس از فرونشستن آن شعله حیرت‌انگیزی که امکان حضور در گرمای عشق و عرفان را فراهم کرده بود، خود را در فضای دیگری یافت که کاملاً با آنچه که در گذشته در تصور او می‌گنجید، تفاوت داشت. در دو مجموعه آینه‌های ناگهان (دفتریک و دو)، ما با شاعری مواجه می‌شویم که «هم آرزوی دور دست تحرک، در دیدگان کاغذی آب می‌شود»، و هم امید می‌معمومانه همچون آتش شمع رویه سکوت، در دل او به آرامی شعله می‌کشد:

خسته‌ام از آرزوها، آرزوهای شعاری

شوق پرواز مجازی، بالهای استعاری

لحظه‌های کاغذی را روز و شب تکرار کردن

خاطرات بایگانی، زندگیهای اداری

آفتاب زرد و غمگین، پله‌های رویه پایین

سقفهای سرد و سنگین، آسمانهای اجاری

با نگاهی سرشکسته، چشمهایی پینه بسته

خسته از درهای بسته، خسته از چشم انتظاری

عاقبت پرونده‌ام را با عیار آرزوها

خاک خواهد بست روزی، باد خواهد برد، باری (۱۰)

اما این «لحظه‌های کاغذی»، آنقدر مقتدر نیستند تا شاعر را بکلی ناامید کنند و او را به مرداب تردیدی بی‌امان بسپارند:

سرپا اگر زرد و پژمرده‌ایم

ولی دل به پاییز، نسیم ده‌ایم

اگر دل دلیل است، آورده‌ایم

اگر داغ، شرط است ما برده‌ایم

اگر دشمن دشمنان، گردنیم

اگر خنجر دوستان، کرده‌ایم

دلی سر بلند و سری سر به زیر

از این دست، عمری به سر برده‌ایم (۱۱)

قیصر امین‌پور، شاعری درد آشناست؛ شاعری که مرثیه خوان زمان و زمین خویشتر است و انسان بودن و انسان زیستن را مهمترین اصل شاعری می‌داند و معتقد است که:

«سرودن، یک فعل مجهول است، نه از آن روی که فاعل آن معلوم نیست، بلکه از آن روی که فاعل حقیقی آن معلوم نیست. شاید به همین دلیل قداما آن را به سحر و معجزه مانند کرده‌اند. معلولی است که علت آن معلوم نیست، اگر چه سرودن، خودش علت است. علت هم همان درد است. حکایت کسی که شاعر را فاعلی سرودن گرفت، حکایت همان موری است که بر کاغذ می‌رفت نبشتن قلم را دید و قلم را ستودن گرفت. نوشتن، چنانکه گفته‌اند فعل لازم است، نه متعدی. (۱۲)

پی نوشت‌ها:

- ۱- گزیده اشعار قیصر امین پور، شعر نه گندم و نه سیب، از آینه‌های ناگهان (دفتر اول)، ص ۸۳
- ۲- همان، شعر بند باز، از تازه سروده‌ها، ص ۳۹
- ۳- همان، شعر اعتراف، از آینه‌های ناگهان (دفتر اول)، ص ۱۰۵
- ۴- همان، پنج پرسش به پاسخ (مقدمه)، صص ۱۸ و ۱۹ و ۳۳
- ۵- همان، شعر اتفاق، از تنفس صبح ص ۱۳۸
- ۶- همان، شعر رفتن رسیدن است، از آینه‌های ناگهان (دفتر دوم)، ص ۱۲۱
- ۷- همان، شعر حرف آخر، از تازه سروده‌ها، ص ۴۱
- ۸- همان، غزل محال، از تازه سروده‌ها، ص ۵۱
- ۹- همان، حتی اگر نباشی، از تازه سروده‌ها، ص ۵۵
- ۱۰- همان، شعر لحظه‌های کاغذی، از تازه سروده‌ها، صص ۴۶ و ۴۷
- ۱۱- همان، شعر اگر دل دلیل است، از آینه‌های ناگهان (دفتر اول)، ص ۱۲۱
- ۱۲- همان، پنج پرسش بی‌پاسخ (مقدمه)، ص ۳۲

زبان عاشقی

زبان عاشقی

گل نظر

سرودن، ۱۳۷۸

کتاب «زبان عاشقی» گلچینی از اشعار ده سال اخیر «گل نظر» شاعر بنام تاجیکستان و سراینده سرود ملی آن کشور است.

خواننده عادی این کتاب آن را با حزن و اندوه می‌خواند و در لابه‌لای آن، اگر چه زمختی کلام را حس می‌کند اما صدا را بسیار آشنا می‌یابد. گل نظر نه فقط اشعارش به زبان فارسی، نه فقط مفاهیم و مضامینش برای ما قابل درک است، بلکه از گذشته و پیشینه‌ای می‌گوید که برای ما کاملاً آشناست:

هر چند که جوی مولیان خشکیده

در مصرع رودکی روان است هنوز

یا به این بیت دقت کنید:

دلا باری ز فردوسی بیاموز

فداکاری ز فردوسی بیاموز

ز میدان رستمش بیرون نیاید

وطن‌داری ز فردوسی بیاموز

در سراسر دنیا هیچ قوم و ملتی را نمی‌یابیم که فرهنگ و ادبش تا به این حد با فرهنگ و ادب ما آمیخته باشد. مگر همین تاجیکستان و افغانستان که گاه «سیاست» فاصله‌های عظیمی بین مان می‌اندازد:

دلخون شد ز آزار سیاست

ز گفتار و ز کردار سیاست

سراینده این اشعار شاعری گمنام در گوشه‌ای از تاجیکستان نیست. از مشهورترین و فعال‌ترین سراینده‌های تاجیکستان است، سر دبیری دو نشریه ادبی را به عهده دارد و از آنچنان وزن و اعتباری برخوردار است که سرود ملی تاجیکستان از اشعار وی انتخاب شده است و تاکنون جوایز متعددی و از آن جمله جایزه دولتی رودکی را برده و به شدت مورد توجه و محبوب مردم تاجیکستان است. اما چیزی که باعث دلچسبی بیشتر مجموعه «زبان عاشقی» می‌شود اینکه کتاب حاصل گزینش قیصر امین پور، شاعر و شعرشناس معاصر است. ولی خود این سبب غبطه شده که چرا امین پور مقدمه‌ای بر کتاب ننوشته تا گل نظر و شعر تاجیک را بیشتر معرفی کند، یا حداقل معلوم کند که گزینش اشعار با چه شیوه و ملاک‌هایی صورت گرفته است.